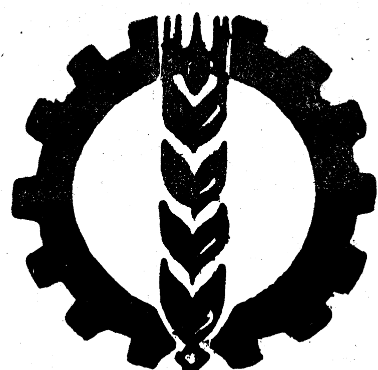
شماره فوق العاده
بمناسبت شصت ودومین
سالگرد استرداد
استقلال کشور
شماره ۱٤۹
سال تاسیس ۱۳۵۹



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

وحدت عمل وطنپرستان، سنت مبارزه، رمز پیروزی ووثیقه پایداری آن است

متن بیانیهٔ رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا . که به مناسبت شصت ودومین سالگرد استرداد استقلال میهن عزیزدیشب از رادیو وتلویزیون ایرادنمود.

هموطنان شریف ،خواهـــران ، برادران عزیـــز !

فردا ما یکی از بزرگترین و شورانگیز ترین حوادث تاریخ سرزمین مقدس خود را تجلیل می نماییم . اجازه بدهید بمناسبت شصت ودومین سالگرد پیروزی بزرگ تاریخی مردم افغانستان یعنی استرداد استقلال کشور را ازتحت سلطهٔ امپراطوری استعماری انگلیس ازجانب کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا . و دولت ج.د.ا .وازجانب خودبه همهٔ شما ازصمیم قلب شادباش بگوییم .

ما شصت ودومین سالگرد استقلال وطن پدری خویش را درشرایطی برگذار میکنیم که مردم ما یکبار دیگر درمعرض آزمایش نوین تاریخی قرار دارند . امروز مردم آزادهٔ وطن انقلابی ما بخاطر دفاع از استقلال وحاکمیت ملی وتمامیت ارضی کشور ودستآوردهای نجاتبخش انقلابی خویش دلیرانه وبرگشت ناپذیر در برابر تجاوزات ومداخلات بیشرمانهٔ ارتجاع ، امپریالیـزم و هژمونیزم به نبردنهایی برخاسته اند .

استقلال افغانستان درشرایطی بدست آمد که قارهٔ آسیا تازه راه بیداری وپیکار ضداستعماری را درپیش میگرفت . حوادث انقلابی دربرخی ازکشورهای قارهٔ آسیا درتحت تاثیر مستقیم انقلاب کبیر اکتبر تناسب نیروها را به نفع آزادی خلقها واضمحلال تدریجی سیستم مستعمراتی امپریالیزم تغییر میداد .درچنین شرایطی وطن پرستان افغانستان با الهام از مبارزات دلیرانه مشروطه خواهان اول برای بارنخست درفش آزادی را درآسیا برافراشته ودرین جاده پیکار مقدس به سرمشق ونمونـه برای مبارزات استقلال طلبانهٔ خلقهای قارهٔ آسیا ،بخصوص خلق های مسلمان مبدل گردید .

استقلال افغانستان ساده وآسان بدست نیامده بلکه بهترین فرزندان رشیدوطن با شوروعشق‌سوزان به آزادی ودل های پرازمهروطن با دادن جان های شیرین وریختاندن خونهای پاک خود دریک نبردعادلانه وحماسه آفرین بزرگترین قدرت استعماری آنوقت را به شکست افتضاح آمیزواداشتند ودر قلب آسیا زنگ پرتوان آزادی را به صدا درآوردند . مردم قهرمان و آزادهٔ وطن باستانی ما با دفاع از استقلال ، حاکمیت وشرف ملی خود دربرابر تجاوزگران امپریالیستی سهم شایسته ای را درمبارزه به خاطردرهم کوبیدن سیستم سلطهٔ استعماری درقارهٔ آسیا اداکردند .

هموطنان شرافتمند وانقلابی !

مردم سلحشوروباشهامت افغانستان درطول تاریخ باستانی کشورما همواره از استقلال وحاکمیت ملی وتمامیت ارضی کشورخویـش چون مردمک چشم دفاع نموده ودرین راه مقدس از دادن هیچ نوع قربانی دریغ نورزیده اند .

یکی ازسنن مبارزات آزادی خواهانهٔ مردم ما ورمزپیروزی آنرا درمبارزه علیه استعمار امپریالیستی انگلیس اتحادووحدت عمل همه نیروهای تحول طلب ، آزادی خواه ، انقلابی ووطنپرست کشور تشکیل میدهد .دشمن درهرگونه شرایطی با حیل ونیرنگهای گوناگون وحدت عمل وطنپرستان یعنی وثیقهٔ پراعتبار مبارزه وپیروزی آنها را موردحمله قرارداده است .

استقلال افغانستان که به قیمت خونهای پاک فرزندان خلف

خلق تحت رهبری فرزندوطن غازی امان الله بدست آمد ، مدتی در اثرتوطئه ها ،دسایس ومداخلات امپریالیزم انگلیس درامور داخلی کشورما درمعرض خطرنابودی قرار گرفت .

امپریالیزم انگلیس بکمک اجنت ها وعمال خویش وبا استفاده ازعقب ماندگی کشور و تعمیم خرافات وتعصبات ، با حیله ونیرنگ ،ایجادتفرقه وبا عوامفریبی دراثرتوطئه های شیطانی خویش اغتشاشات وبی نظمی ها را درکشورما سازمان داد وسرانجام چاکرشناخته شدهٔ خویش یعنی نادر مستبدرا بر اریکهٔ سلطنت نشاندو عملاً" استقلال کشورما را درمعرض نابودی قرار داده .

نیروهای سیاه ارتجاعی وابسته به انگلیس با استفادهٔ نـا مشروع ازدین‌مقدس اسلام اذهان توده های مردم‌را درباره ماهیت دولت امانی مغشوش ساخت ودر نتیجه فضای بی اعتمادی وخصومت را نسبت به آن ایجاد نموده هم وطنان ما بیاددارند که چگونه عمال امپریالیزم انگلیس چون لارنس ها دربین مردم بادیانت ، صادق وشریف ما به تحریکات خاینانه دست زدند .

هموطنان عزیز !

امروزنیزارتجاع وامپریالیزم ومزدوران وعمال بیشرم آنها علیه استقلال و آزادی ، انقلاب ودست آوردهای انقلابی مردم مـا خاینانه توطئه مینمایندوباز هم ازهمان سلاح های شناخته شدهٔ دیروزی استفاده نموده وامیدهای پوچ وبی پایه یی را بخاطر بر گرداندن جریان تاریخ‌کشور منا با روح شیطانی‌خودپخش‌میکنند ولی غافل ازینکه بحکم زمان وبه ارادهٔ مردم‌ما انقلاب ما برگشت ناپذیراست . ما امروزدرشرایطی بسرمی بریم که موجودیت جنبش های آزادیبخش ملی،جنبش عظیم کارگری جهانی واردوگاه صلح بمثابهٔ تکیه‌گاه شکست ناپذیروعظیم همه نیروهای انقلابی جهان تغییربرگشت ناپذیری را به نفع نیروهای آزادی واستقلال ملی ، دموکراسی وترقی اجتماعی درجهان پدیدآورده اند. ما امروزدر شرایطی‌بسرمی‌بریم که اندیشه های پیشروعصرما با نفوذ وسیع دربین‌توده‌های مردم به نیروی بزرگ مادی انقلابی مبدل گردیده است .

مبارزات دلیرانهٔ مردم ما درسالهای بعدازحصول‌استقلال وتسلط خانوادهٔ مستبدسلطنتی و اشرافی ووابسته به استعمار هرگز به سردی‌نگرائیده‌وپایان نپذیرفت . درادامهٔ همین‌مبارزات دشوار مردم ما بودکه انقلاب ثور به پیروزی رسیدوراُ تحقق استقلال واقعی‌کشورما گشوده شد . با پیروزی‌انقلاب ملی ودموکراتیک ثورمبارزات ترقی خواهانهٔ مردم ما ابعادگسترده ونوینی کسب کردوتوده‌های‌وسیع مردم ما بسوی‌انقلاب وحفظ دست آوردهای آن جلب شدند .با تکیه بر همین سنن شریفانه‌مبارزهٔ انقلابی مردم ما به‌انحراف ننگینی که درمسیرانقلاب سازمان داده شده بود خاتمه داده شده‌پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی‌انقلاب

یکبار دیگر استقلال‌وحاکمیت ملی، تمامیت ارضی ودستآوردهای انقلابی ما را ازخطر نابودی نجات داد وفصل نوینی‌را دربرابر مردم ما درجهت تحکیم استقلال‌ملی واعمار‌جامعهٔ نوین‌وشگوفان انسانی ، گشود .

دشمنان دیرینهٔ سعادت وآزادی مردم ما امروزهم با غلطیدن‌در دامان کثیف وآلوده به ننگ و جنایت امپریالیزم میخواهندکشور ما را درلجن زار بدبختی‌وتباهی ووابستگی به‌استعمار وامپریالیزم بکشانند .

جنگ اعلام ناشده‌علیه مردم‌ما که بصورت مستدام ازطریق‌پاکستان بوسیلهٔ امپریالیزم بین‌المللی درراٌس امپریالیزم‌امریکا و دستیاران چینی‌آن تغذیه میگردد ، هدف دیگری‌راجزنابودی استقلال وحاکمیت ملی کشورما ، تجزیه سرزمین پرافتخارباستانی ما ونابودی دست آوردهـای انقلابی مردم ما تعقیب نمی‌نماییم.

مردم ما با اتحادبرادرانـه و وحدت عمل انقلابی دربرابـــر تجاوز خاینانهٔ ارتجاع ،هژمونیزم واامپریالیزم‌بپـــا خاسته واز وطن محبوب ودستآوردهای انقلاب دفاع مینمایند.

ما درین نبردبرحق ودشـــوار تنها نیستیم .همانسان کــــه جمهوری جوان شوروی درتحت رهبری ولادیمیرایلیچ لنین دوست بزرگ ملل شرق ومسلمانان زحمتکـــش اولین کشوری بودکه استقلال وحاکمیت کشورما را بلافاصله بعـــداز حصول آن برسمیت شناخت ودســت دوستی وکمک را بسوی مردم مـــا دراز نمود امروزهم اتحادشـــوروی

بزرگ ما را درمبارزهٔ عادلانه ما بـر علیه مداخلات وتجاوزات امپریالیزم ، ارتجاع منطقه وهژمونیزم یاری می رسانـده.

اتحادشوروی با اعطای کمــک بموقع درجواب درخواست مقامـات قانونی و ذیصلاح دولتی وحزبــی ج.د.ا . دردشوارترین لحظـــات تاریخ کشورما مردم ما رادرامـر دفاع قاطع ازاستقلال وحاکمیـت ملی ما یاری نموده وبزرگتریـــن خدمت تاریخی رابه مردم‌ما انجام داده‌است . اگر کمک بموقـع وبرادرانهٔ اتحادشوروی نمی‌بود امروزبطور قطع از استقلال افغانستان چیزی بجا نمانده‌بود.این واقعیت سرسخت‌تاریخی‌را دشمنـان وارونه جلوه داده ودر زمینـــه با بیشرمی تمام قلب واقعیت مـی نمایند ولی تاریخ شاهد خواهـد بود که استقلال وطن ما ازگزنـد تجاوزات بیگانگان بهارادهٔ مردم قهرمان افغانستان بکمک برادران شوروی ما حفظ گردیدواکنون تحکیم میگردد .

هموطنان عزیز !

اکنون در مرحلهٔ نوین‌وتکاملی انقلاب ثور درفش استقلال واقعی ، انقلاب وکاروپیکار سازنده وشور آفرین انقلابی برفرازکشور کهن ومحبوب ما غرورآمیزوافتخار آفرین در اهتزازاست .

زحمتکشان افغانستان تحت بیرق اندیشه ها واهداف انسانی انقلاب ثور در صفوف جبههٔ ملی پدروطن به رهبری حزب پیشتازو یکپارچهٔ خویش ـ حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخاطردفاع از دستآوردهای انقلابی خویش در راه حفظ وتحکیم استقلال‌وحاکمیت ملی کشور ودرراه اعمار جامعهٔ نوین‌میرزمند‌ودراین‌نبرد

زندگی‌سازودشمن‌سوزقهرمانی های مردم ما ، قوای‌مسلح‌پرافتخار، خارندوی وارگانهای‌امنیتی‌کشور درتحت رهبری کمیتهٔ مرکزی حزب ماضامن پیروزی ماست .

ما درین لحظاتی که شصت ودومین سالگرد استرداداستقلال‌سرزمین مقدس‌خودرا تجلیل‌مینماییم درودهای آتشین وپرشورخود رانثارآن رادمردانی‌مینماییم که در راه حصول شرف‌وآزادی و استقلال وطن جام شهادت نوشیدند .

درود پرشوربروان‌پاک شهدای راه آزادی !

زنده‌باد مردم آزاده وشرافتمند افغانستان !

زنده باد وطن محبوب مـا افغانستان آزاد ، مستقل ،انقلابی ، سربلند وپرافتخار !

زنده‌باد صلح وآزادی‌خلقهای جهان !

پیام شادباش رفقا بریژنف وتیخونوف بمناسبت سالگرد استرداد استقلال کشور

به مناسبت شصت ودومین سالروز استرداد استقلال کشور پیام شادباش از طرف رفیق لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی وصدر هیات رئیسه شورا یعالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و رفیق نیکولای الکساندرویچ تیخونوف رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی عنوانی رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و رفیق سلطان علی کشتمند رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بشرح آتی بکابل مواصلت کرده است .

رفیق ببرک کارمل ،منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان !

رفیق سلطان علی کشتمند رئیس‌شورای‌وزیران‌جمهوری دموکراتیک افغانستان!

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ،مردم شوروی واز طرف خود ما تبریکات صمیمانه رابه کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،شورای انقلابی شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان ،مردم برادر افغان وشخصاً بشما به مناسبت جشن ملی ،روز استرداد استقلال ابراز مینماییم .

بیش از شصت سال قبل مردم دلاور افغان استقلال‌خود را دفاع‌نمود وبااین امر سهم وزین درمبارزه بخاطر لغو سیستم سلطه استعماری در قاره آسیا ادا کرد .

دولت جوان شوروی تحت رهبری ولادیمیر ایلیچ لینن اولین کشوری‌در جهان بود که دست دوستی صمیمانه رابه مردم همسایه افغان دراز کرد واستقلال افغانستان‌را بلادرنگ برسمیت شناخت به نوبت خودافغانستان‌اولین کشوری بود که جمهوری شوراها را برسمیت شناخت درین دورهٔ مهم‌-تاریخ دو کشور اساس ثابت روابط حسن همجواری بین دو کشور مبتنی بر اصول تساوی‌حقوق عدم مداخله درامور داخلی یکدیگر ،احترام متقابل به حق حاکمیت وتمامیت ارضی پایه گذاری شد، زمانیکه ازآن وقت تاکنون سپری شده بطور قانع کننده نشان داد که این روابط پاسخ گوی منافع اساسی مردمان ما میباشد .

با پیروزی انقلاب ثور در افغانستان که بوسیله مردم افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌در سال ۱۹۷۸ بوقوع پیوست روابط شوروی و افغانستان خصلت همبستگی انترناسیونالستی وبرادری رابخود گرفت ،امکانات وسیع برای همکاریهای هرچه ثمر بخشتر سیاسی ،اقتصادی وفرهنگی شوروی‌وافغان بوجود آمد.

مؤفقیتهای نوینی را برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان،شورای انقلابی ،حکومت جمهوری دموکراتیک‌افغانستان مردم قهرمان افغان و شخصاً برای شمارفقای‌محترم درامر دفاع ازدست آورد های انقلاب ثور تأمین شرایط مساعد برای زندگی صلح آمیز وسازنده درافغانستان مستقل ودموکراتیک واجرای مؤثر پروگرامهای تجدید ساختمان اجتماعی واقتصادی جامعه افغانستان‌آرزومینماییم.

ل. بریژنف
ن .تیخونوف
مسکو کریملین ۱۸ ـاگست سال ۱۹۸۱ .

پاسخ رفقا ببرک کارمل وسلطانعلی کشتمند به پیام شادباش رهبران شوروی

از طرف رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان ورفیق سلطانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان پیام جوابیه یی عنوانی رفیق لیونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی سو سیا لیستی و رفیق نیکولای الکساندر وویچ تیخونوف رئیس شورای وزیران آنکشور به شرح آتی به مسکو مخابره شده است :

رفیق لیونید ایلیچ بریژنف ، منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی و صدر هیات رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالستی .

رفیق نیکولای الکساندر وویچ تیخونوف، رئیس شورای‌وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی! مسکو.

رفقای گرامی !

از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، شورای انقلابی ، حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان‌وتمام مردم‌افغانستان وشخص خود مامراتب سپاسگزاری صمیمانه را بخاطر ارسال تبریکات گرم وبرادرانه بمناسبت جشن ملی افغانستان . روز استرداد استقلال کشور ابرازمیداریم.

٦۲ سال پیش مردم آزادی طلب افغان در مبارزه عادلانه خود علیه ارتجاع بین‌المللی و استعمار به‌پیروزی رسیدند و استقلال خود را بدست آوردند وجمهوری جوان شوراها تحت رهبری ولادیمیر ایلیچ لینن دوست بزرگ ملت های شرق اولین کشوری بود که استقلال افغانستان رابرسمیت شناخت وروابط متساوی الحقوق با افغانستان آزاد برقرار نمود کمکهای قابل توجه مادی ومعنوی به مردم افغانستان مبذول داشت . این حقیقت واقعاً تاریخی همیشه درقلب وخاطره افغان هاباقی خواهد ماند .

از آن زمان ببعد روابط افغانستان وشوروی بصورت ثمربخش وباموفقیت براساس اصول همجواری و دوستی وبرابری واحترام به حق حاکمیت ملی وتمامیت ارضی وعدم مداخله در امور داخلی یکدیگر وهمکاری متقابل رشد وتکامل یافته است. این روابط پایه‌ای رابرای‌انکشاف مترقی افغانستان بوجود آورد .

پس ازپیروزی‌انقلاب ثورومخصوصاً درمرحله‌نوین وتکاملی آن‌که‌زحمتکشان افغان راه تحولات اساسی اجتماعی واقتصادی را برگزیدند اتحادشوروی با وفاداری باصول سیاست خارجی لیننی وبا تعقیب خط مشی دوستی واقعی وهمبستگی انقلابی از انقلاب ما اکیدا طرفداری نموده وبرای مردم افغانستان مساعدت های پر ارج در مبارزه آنان علیه فعالیت های تجاوزکارانه امپریالیزم و هژمونیزم بین المللی و ارتجاع محلی که جنگ اعلام ناشده ای را بر ضد افغانستان مستقل وآزاد براه انداختند واگذار نموده ومینماید مردم افغانستان ارزش عظیمی برای این کمکهای بیغرضانه و برادرانه که ضامن پیروزی، عدالت وتأمین استقلال واقعی افغانستان نوین میباشد قایل بوده واز آن عمیقاً سپاسگزار اند .

اظهار اطمینان کامل مینماییم که مناسبات دوستی و برادری بین‌احزاب ودولتها ومردمان مادرراه خیرخلقهای دوکشور وبه نفع تأمین صلح و امنیت وترقی اجتماعی انکشاف وتعمیق هرچه بیشتری خواهد یافت .

مؤفقیت های با شکوه نوینی رابه نفع سعادت همه بشریت برای‌شمارفیق گرامی لیونید ایلیچ بریژنف و رفیق نیکولای الکساندر وویچ تیخونوف . برای کمیته مرکزی لیننی حزب کمونست اتحاد شوروی، شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی ، دولت شوروی ومردم برادر شوروی آرزو مینماییم .

(ببرک کارمل)

منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان .

(سلطانعلی کشتمند)

رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان .

کابل ـ ۲۷ اسد سال ۱۳٦۰

پیام تبریکیه اطفال زحمتکشان افغانستان از اتحاد شوروی عنوانی رفیق کارمل

اطفال زحمتکشان افغانستان که مصروف استراحت یکماهه وديد وبازدید بااطفال اتحاد شوروی در جمهوریت های آسیای میانه اتحاد شوروی می باشند . طی تیلگرامی عنوانی رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای‌انقلابی روز استرداد استقلال کشور را به‌این شرح تبریك گفته اند :

رفیق ارجمند و گرامی ببرك‌کارمل!

ما‌اطفال کارگران و زحمتکشان افغانستان که یك جا با اطفال اتحاد شوروی در استراحتگاه پیش آهنگان واقع جمهوری های ترکمنستان ، ازبکستان و تاجکستان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی استراحت می‌نمائیم تبریکات قلبی خویش را به مناسبت ۲۸ ـاسد یعنی سالروز استرداد استقلال کشور به شما، به فامیل های مان و تمام اطفال‌افغانستان تقدیم می داریم .

ما‌از شخص شما تشکر می کنیم که امکانات سفر مارا به اتحاد شوروی فراهم نمودید تا با دوستان صمیمی خود تماس حاصل نموده و یکدیگررا خوب بشناسیم . آمدن ما در اتحاد شوروی یکبار دیگر به آن‌شهادت‌می‌دهد که دوستی تاریخی افغان ـ شوروی خلل ناپذیر است .

زنده‌باد افغانستان سر بلندوآزاد !

زنده‌باد دوستی خلل ناپذیر افغان‌ـ شوروی !

فرخنده باد شصت ودومین سالروز استرداد استقلال کشور

نقش پیکارجویان قبایل در کسب استقلال سیاسی کشور

یک **نگاه** به نقشه افغانستان **نشان** میدهد که در **یک فاصله بطول** هشت صد میل از چترال تا بحر هند در دو طرف سرحد، آزاده مردان پشتون و بلوچ زندگی داشته که با داشتن خون مشترک، فرهنگ و کلتور مشترک، تاریخ مشترک و بالاخره دشمن مشترک حماسه های مشترک تاریخی را به میراث گذاشته اند، مردمان این سرزمین ها که تا قبل از سالهای ۱۸۱۰ ـ ۱۸۲۳ سکهای پنجاب برآنها حاکمیت نیافته و متعاقب آن در پنجه های خونین استعمارگران چپاولگر انگریزی اسیر نه مانده بودند در پیوند با تمام اقوام و ملیت های ساکن افغانستان سرزمین واحدی داشته و تاریخ آریانای کهن، خراسان و افغانستان موجوده را نمی توان بدون درج حماسه های تاریخی آنها تکمیل دانست چنانچه پایتخت زمستانی کوشانیان در تاکسیلا و یا پشاور موجوده تا هنوز در خاطره های تاریخ ما زنده است، نام مشاهیر سیاسی چون میرویس هوتکی، دریاخان ایمل خان و پیرروشان ومانندآنهارا نیز نمی توان به این طرف و یاآنطرف سرحد محدود ساخت، گنجینه های ادبی را که شعرا و نویسندگانی چون رحمن بابا، خوشحال ختک، حمید ماشوخیل، میرزا خان انصاری، پیر محمد کاکړ، شمس الدین کاکړ، راحت زاخیلی، ماستر عبدالکریم ملک داد محمد بلوچ، مولانا عبدالحی بلوچ، ماتاج بانو مولانا عبدالکریم مینگل، عبدالحمیدجیتویی، عبدالکریم شورش، اشرف هجری و دهاچهره دیگرادبی به عرصهٔ ادبیات پشتو وبلوچی افزوده اند هرگز منحصر به یک طرف نبوده و هم اکنون در تمام افغانستان دست بدست گشته و در روشنی انقلاب ثور برای نخستین بار دیوان رباعیات خوشحال خان ختک بر حسب تقاضای مردم ما به زبانهای دری، ازبکی و ترکمنی ترجمه و بچاپ رسید. رنجی را که مردم افغانستان در این طرف مرز در زیر حلقه های سنگین‌زنجیر استعمار بر تانوی تحمل میکردند در آنطرف مرز نیز بیدادگریهای استعمار بر تانوی غیر قابل تحمل‌بود ولی احساس مشترک مبارزه ملی بر ضد استعمار و امپریالیزم را نمی شد بازور سرنیزه خموش ساخت، روی همین دلیل بودکه مردمان سلحشور و آزادی دوست قبایل سرحدی اعم از پشتون و بلوچ نه تنها در قیامهای اول ودوم بلکه در قیام استقلال افغانستان همدوش با همه اقوام و ملیت های ساکن کشور ما در سنگرپیکار عادلانه بر ضد استعمارگران انگلیس قرار گرفتند. اقوام سرحدی چون افریدی، یوسفزی، ختک، مومند، وزیر، مسعود، داوړ، تنی، اتمانخیل غلجی، صافی، بنگشس، شینواری، اخکزی، کاکړ و قبایل گوچانی، بوغنی و مزاری بلوچ و دها قوم و قبیلهٔدیگرکه ازذکر نامهای‌همه شان برای اختصار مطلب جلوگیری شد. با اعلان استقلال سیاسی‌افغانستان همه یکصدا با قدرتهای وسیع انسانی‌در کنارجنگاوران دلیر وطن ما قرار گرفتند شرایط آنها به مراتب دشوار تر از ما بود بخاطر آنکه در آن فرصت نه تنها در میان آنها یکپارچگی و مرکزیت واحدی وجود نداشته و انگلیسها آنها را بجان هم انداخته بودند بلکه قویترین قوتهای انگلیس نیز در همین مناطق بزرگترین قلعه های نظامی ومستحکمترین استحکامات جنگی را ایجاد نموده بودند، ولی احساس ملی خلق پشتون و بلوچ را نمی شد در ین قلعه ها زندانی ساخت و همانگونه که درون کشور ما استعمارگران انگلیسی روزی به خوشی نگذشتاندند در مناطق آنسوی سرحد نیز از سالهای ۱۹۴۶ـ ۱۹۱۹، شصت ویک جنگ بزرگ بین مبارزین ملی و استعمار چپاول انگلیسی بوقوع پیوست و انگلیس ها در ین جنگها بر علاوه برداشتن تلفات سنگین انسانی بیش از چهار ملیارد دالر را برای در دست داشتن این مناطق بمصرف رسانیدند.

در جریان آمادگی خلقهای ما بخاطر مقاومت در برابر استعمار لجام گسیخته انگلیس در ماه می سال ۱۹۱۹ در آن طرف سرحد نیز قوتهای ملی روز تا روزبه‌بسیج هرچه بیشتر نیروهای داوطلب پرداخته و در طی یک دوران کوتاه تنها در اطراف جبهه تل ووانا هفده هزار مسعود هفت هزار وزیر، دوازده هزار ورکزای و هزاران نفر افریدی، خیبری و نوری تجمع یافته و با سلاح های دستی خود در سنگر مبارزه قرار گرفتند و قلعه جنگی سروکی برای نخستین بار مورد حمله مردمان مسعود قرار گرفته و هفتاد و پنج شتر انگلیس ها را به غنیمت بردند. در ین جریان قبایل تنی خطوط تلگرافی انگلیس ها را قطع نموده و دسته های چریکی آنها دو صدو بیست شتر غله دار دشمن رابدست آوردند، در محاصره گرفتن قلعه مستحکم وانا نیز توسط اقوام مسعود صورت گرفت در جبهه وزیرستان بیست‌و سه هزار وزیر و مسعود سر تا سر جبهه را به آتش داغ مبدل ساخته و با قطع خطوط مواصلاتی وراهای ارتباطی قشون انگلیس ضربات مرگباری‌بر آنها وارد کردند. پیوستن ملیشه های قلعه میرامشاه به مبارزین ملی انگلیسهای مغرور را سراسیمه ساخته و مجبور شدند همه تشکیلات ملیشایی را منحل و بجای آن قوتهای انگلیسی را جاگزین سازند این امر به پراگندگی و ضعف قوای انگلیس انجامید.

شهر پشاور نیز از مدتها پیش به مرکز احساسات ملی ضد انگلیسی مبدل گشته و در طی ماه می دوریک کمیته سی و دو نفری از مبارزین ملی نهصد نفر تشکیل یافته و به تحریک هر چه بیشتر احساسات ملی پرداخته تا آنکه شهر را عملا بدست آوردند ولی استعمار چپاولگر با آتش قوتهای پیاده و توپخانه خود شهر را زیر ضربات سنگین قرار داده و با بستن آب شهر را مجبور به تسلیم ساختند. اما دیگر ستاره اقبال چپاولگران «متمدن» فرو افتاده بودو برای سومین بار شکست ننگین خود را متحمل میشدند آنهاکه آبروی جهانی خود را در زیر ضربات مرگبار نیروهای آزادیخواه افغان از دست داده و زوال امپراطوری استعماری‌اش را احساس می کردند سخت دراهراس افتیده بودند که چسان خود را از مناطق سرحدی که در آن خشم توده های مردم در وجود یک قیام ملی سرتاسری برانگیخته شده بود به هند بر تانوی برسانند، برای آنها دیگر ادامه جنگ با افغانستان مطرح نبوده حاضر بودند با هر قید و شرطی استقلال کشور ما را برسمیت بشناسند ولی آنچه‌برایشان اهمیت داشت یافتن جای پای بود در مناطق آنطرف سرحد تابرای حفظ منافع خود در هندوستان و ادامه توطئه گری های بعدی درافغانستان زمینه های مساعدی دراختیار داشته باشند، گرچه بعد از اعلان استقلال افغانستان جنگ ها و حملات بر قشون انگلیس در آنسوی مرز پایان نیافت چنانچه تنها در پشین و بلوچستان تا سال ۱۹۲۱ ضربات سنگین و خورد کننده بر نیروهای مهاجم انگلیس وارد گردید، و در دیره جات و بنو نیز انگلیسها روز آرامی نداشتند و حملات منظم و غیر منظم پشتونها و بلوچها بر قوای انگلیس تاسالهای ۱۹۳۷ با همه شدت آن ادامه یافت همچنان در طی این دوران ده بار جنگ های بزرگی نیز بین قشون انگلیس و مردمان منطقه بوقوع پیوست اما قبول یکجانبه شرایط به رسمیت شناختن استقلال افغانستان چیزیکه در آن انگلیسها شکست‌خورده نقش فاتح رابازی کرد. آرزوهای آزادیخواهی مردمان پشتون و بلوچ را در نیمه راه گذاشت.

بخری



درینجامردم آزادهٔ افغانستان مستقل درکنار امان الله غازی‌اولین سالگرد استرداد استقلال کشور را با دلهای‌هیجان زدهٔ پرامید، تجلیل می‌نمایند. استقلال ما شرف ما است. بگذاراین صحنه ها برای همیش درقلب ما ودرزندگی مازنده بماند. ولی‌دشمنان ما امروز می خواهند آزادی مردم مارا که از برکت پیروزی انقلاب‌ملی و دموکراتیک ثور و بخصوص مرحله نوین تکاملی آن بدست آمده‌است در زیر پاشنه های خشن خون آلود خود پامال سازند. ما قادرهستیم باتکاء نیروی شکست ناپذیر مردم تحت رهبری حزب شهیدان وقهرمانان دشمنان داخلی را در هم شکنیم. ما نمی گذاریم تجربه تلخ شکست امان‌الله خان یکبار دیگر تکرار گردد. ارتجاع منطقه، هژمونیست های بیشرم پکن و امپریالیزم رسوای‌امریکا نخواهند توانست استقلال و آزادی‌کشورما را پامال نمایند. همه نیروهای انقلابی جهان و بخصوص اتحادشوروی بزرگ در نبرد مقدس مردم ما بخاطر دفاع از استقلال و حاکمیت‌ملی و تمامیت ارضی کشور و دست‌آورد های انقلابی مردم ما بما یاری‌می رسانند.

بنیاد آزادی

★★

به فریاد پر از دردی که‌اندوه هزاران نسل انسان
بود پژواکش،
بیا گندم نگارستان تاریخ‌را، و پرسیلم:
تو ای، آزادی، ای‌خونین ترین گلواژه‌گهنامهٔ انسان!
که در هر برگ این دفتر،
برای آنکه بندی نقش:
بریدی آدمی‌را از هزاران‌درهزاران، سر،
دریدی تن،
ربودی جان.

* * *

بگو، بر من!
اگر خود سر خط تاریخ‌انسانی،
بدین دشوار بنوشتن سزاواری و شایانی،
ولی باری.
ولی باری.
تو که تکرار، تکراری؟!
تو که هر بار، برگی‌پشت برگ دیگری، در این
کهن دفتر:
به دریا های خون تازه، نقش تازه میگیری،
بگو، آخر!
چه افسونی، چه‌معنایی‌،چه تعبیری؟

* * *

بر آشفت و زپی صف‌پشت‌صف فوج‌شهیدان را زجا
انگیخت.
به توفان غریوی جمله، پاسخ داد:
مرا جز خون مدادی‌نیست.
مرا جز خون مدادی‌نیست.
ولی بتوان،
ولی باید، مرا یکباره‌بنوشتن،
بسی دیرنده تر از آهن‌وفولاد وسنگ خاره بنوشتن.
مرا بیهوده اندر مشق های کودکان، با این مدادبس‌گران،
تکرار میدارند،
که هی: آزادی و آزادی‌و‌آزادی ـ آزادی....
مرا بنیاد می باید.
مرا بنیاد پولادین،
مرا بنیاد خارائین،
که آزادی برای چه؟
که آزادی برای کی؟
برای پرگشودن ها به‌سوی اوج آنچه کادمی راعشق
وامید است.
برای خلق، کشش آزادگی‌بربندگی پایان جاوید است.
◁حماسه▷

مروری بر مبارزات ضد استعماری مردم ما

فصل مبارزات آزادیخواهانه و ضد استعماری مردم قهرمان کشور ما در تاریخ سالمند افغانستان‌جای ویژه یی دارد. روال مبارزات آزادیخواهانه مردم ما با عبور از رهگذر سه جنگ خونین مشحون از کارنامه های دلاورانه و قهرمانانه فراوانی است که هنوز حافظه تاریخ آن را ازیادنبرده است.

استعمار آنهم استعمار بریتانیا در اواخر سدهٔ هجدهم و اوایل سدهٔ نزدهم به آهنگ تجزیه افغانستان واحد و تقویت مرزهای امپراتوری مستعمراتی خود در نیم قاره راه کشور مارا با دشنه های عریان‌و خونین در پیش گرفت. تاریخ سده یی سیطرهٔ استعماری در افغانستان انباشته از پیچیدگی ها، تنوع سیاست استعماری، تبدیل مداوم تاکتیک های تجاوزگرانه در جهت هدف استراتیژیک واحد یعنی دوام اشغال افغانستان بر پایه سیاست پیشروی در آسیای میانه بوده است. اما در جریان تسلط استعمار واکنش گسترده و عظیم مردم ما علیه اشغالگران استعمارگر بریتانیا در وجود مبارزات پیهم و دامنه دار مهمترین شاخص این دوران می باشد.

در بررسی مختصر از جریان مبارزات آزادی‌خواهانه ملی، روی چگونگی این مبارزات به خصوص‌در سه جنگ افغان و انگلیس مکث مینماییم.

انگلیس ها برای تحقق رویای رسیدن به سواحل رود آمو در سال۱۸۳۹هجوم به افغانستان را آغاز نمودند. نخستین تجاوز مستقیم دولت بریتانیا از سال ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۲ دوام نمود. چگونگی مبارزات‌ضد استعماری و آزادی خواهانه مقاومت سرسختانه ملی و شکست فضیحت بار انگلیس از عناصر مهم تاریخی این دوران است. صرف نظر از مقاومت دلیرانه مردم ما در راه ندادن به پیشروی قشون اشغالگر که مقاومت/ پاسداران دیوار های غزنه نمونه آنست، نخستین‌شعله های قیام ملی درست از همان سال ۱۸۳۹ از قسمت های شرقی کشور آغاز گردید تا آنجا که موج فزاینده قیام های ملی در دسامبر ۱۸۴۱ به نخستین جنگ آزادی خواهانه و عادلانه ملی علیه تجاوزگران بریتانوی مبدل گردید. مهم ترین نتیجهٔ نخستین جنگ آزادی خواهانه شکست فاحش نیروهای بریتانوی است که ازلحاظ تاثیرتاریخی خود در آسیا آغاز جنبش های آزادیخواهانه تلقی میگردد. بنیادگذار اندیشه مترقی در ارزیابی نتایج این جنگ متذکر می شود که: در حالیکه‌انگلیس می کوشید تمام افغانستان را به‌تصرف در آورد، «جنگ معروف افغانستان صورت گرفت که آن نتایج نهایی فضاحت بار را برای انگلستان به بار آورد.»

اما باوجود شکست مفتضحانهٔ که نصیب اردوی اشغالگر انگلیس در افغانستان گردید، بریتانیا از مداخله در امور داخلی‌افغانستان دست نکشید. تاریخ کشور ما از تحریکات وتلاش های مزورانه استعمار بریتانیا انباشته است. مشخصه مهم دوران سالهای بعد از ۱۸۴۲ نوعی «رخنهٔ مسالمت آمیز»بریتانیا در افغانستان در وجود امیر دوست محمد خان می باشد که تسلط انگلیس را در افغانستان حفظ و گسترش میدهد.

بنیادگذار اندیشه‌مترقی در این دوران پیش بینی مهمی را در مقاله «جنگ علیه ایران» ارائه میدارد: «ولی موضوع شگفت آور اینست که انگلستان اکنون به عنوان متحد و مدافع همان دوست محمد خان وارد عمل شده است که در ماجرای کشمکش های افغانستان به عبث برای خلع وی از سلطنت کوشش کرده. باید منتظر ماندودید که آیا این جنگ نیز همان نتایج خارق العاده و غیر منتظره را که جنگ قبلی به همراه آورده بود، خواهد داشت؟»

سیاست استعماری انگلیس درین سالها با همه ابعاد ریاکارانه و مزورانه آن هدف حفظ تسلط را در کشور مداوماً تعقیب مینمود. بالاخره استعمار انگلیس پس از سی و پنج سال که در متارکه گذشت بدون توجه به عبرت انگیزترین درس های تاریخ جنگ اول باز هم دومین تجاوز را به افغانستان آغاز نمود. میر غلام محمد غبار درارتباط با دومین جنگ استعمارگران در افغانستان می نویسد:

«جنگ دوم انگلیس و افغان دنبالهٔ همان جنگ اول انگلیس و افغان است که فقط بایک متارکه سی و پنج ساله از هم جدا می شود زیرا علت جنگ (سیاست پیشروی استعمار انگلیس در آسیای وسطی) تغییر نکرده بود».

دومین تجاوز مستقیم نظامی انگلیس به افغانستان از نوامبر ۱۸۷۸ تا اگست ۱۸۸۰ ادامه یافت. این تجاوز به مقیاس جنگ اول انگلیس و افغان از ساز و برگ نظامی قوی به سود انگلیس برخوردار بود. اما با آنهم مردم قهرمان افغانستان در جریان این تجاوز مانند جنگ گذشته به مقاومت سرسختانه پرداختند و دلیرانه از سرزمین شان در برابر اشغالگران استعماری دفاع‌نمودند به عباره دیگر یکی ازشاخص های عمدهٔ این جنگ نیز مقاومتی بود که افغانها مانند جنگ اول در برابر ارتش اشغالگر تبارز دادند اما استعمارگران در جریان همین سالها بر حسب شگرد های کهنه کار استعماری توانستند معاهدهٔ ننگین گندمک را در بیست و ششم می ۱۸۷۹ تحمیل و در فرجام جنگ تسلط خودرا در افغانستان دروجود امیر عبدالرحمن به مثابه دست نشانده وابسته شان حفظ نمایند.

بعدازین جنگ، کشور ما استقلال سیاسی خودرا بدست نیاورد وبه عنوان کشور وابسته و نیمه مستعمره باقی ماند، وسرداران حاکم ترجیح دادند که کشوروابسته باشد تا آنها حکمروایی نمایند نه آنکه کشور مستقل باشد و آنها از صحنه رانده شوند.

بار دگر به هنگام درخواست افغانستان مبنی بر تامین استقلال افغانستان، بریتانیا که موجودیت افغانستان مستقل و آزاد را برای تسلط استعماری در منطقه زیانبار می دید، جنگ تجاوزکارانه را در می ۱۹۱۹ بر افغانستان تحمیل نمود.

اما در این جنگ، افغانها توانستند نیروهای بریتانوی را به عقب نشینی وادارند و موجودیت افغانستان آزاد و مستقل را به همه جهانیان اعلام بدارند. در کلیت امر نگاهی به تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم افغانستان در مبارزه با استعمار طلبان نمایانگر مقاومت ستیزنده مردم ویکپارچگی ووحدت آنان در پیکار رهایی بخش علیه بریتانیا بوده است. در این ارتباط میتوان جملهٔ را که لیدی سیل اظهار داشته بیان نمود:

«هجوم افغانها مارا به لرزه در انداخت»

آنچه باید درین مقاله یاد آوری نمود، نقش برجسته ایست که‌توده های زحمتکش جامعه ما در مبارزات ضد استعماری ایفا نمودند. اما باوجود مقاومت طولانی‌مردم ما، تسلط استعماری‌بنحوی ادامه یافت و کشور ما به گونه یی در وابستگی استعماری طی بیش از یک سده قرار داشت. چگونه استعمار توانست با وجود واکنش جدی افغانها کشور ما را در وابستگی حفظ نماید؟

استعمار برای حفظ وابستگی کشور اسالیب متعددی را از گونه همه اشکال ریاکارانه و تزویر بکار بست. تاریخ را بیاد می آوریم:

انگلیس در جنگ اول شاه شجاع را وسیله قرار داد و او بود که معاهدات لاهور و قندهار را در ۱۸۳۸ ـ۱۸۳۹ امضا نمود. انگلیس امیر دوست محمد را که خود موجب بر کناری اش شده بود دو باره به اریکه سلطنت نشاند و اوبود که‌در ۱۸۵۵ استقلال کشور ما را با معاهده پشاور و زفدای دست نشاندگی اش کرد. این سلسله دروجود امیرمحمد یعقوب که معاهده گندمک را امضا نمود ادامه یافت.

انگلیس بعد از جنگ دوم عبدالرحمن خان را وسیله قرار داد، معاهده دیورندرا در ۱۸۹۳ با او عقد نمود. جریان وابستگی به استعمار در دوران امیر حبیب الله کماکان ادامه یافت.

تاریخ گواهی های دیگری نیز دارد. این شاهان و سرداران مرتجع حاکم بوده اند که بر خلاف ارادهٔ مردم ما وبروی اجساد کشتگان راه آزادی، استقلال کشور را در معامله‌گذاشته اند. آری این گواهی تاریخ است!

اما باوجود حیل گونه‌گون استعمار از خریداری‌مشتی نوکران و اجیران تا استفاده سوء از معتقدات مذهبی تابدنامسازی و حتی ترور شخصیت های ملی و دهها شگرد دیگر، مردم و باز هم مردم ما، دست از مبارزه نکشیدند تا آنکه این نبردبه تامین استقلال سیاسی‌کشور منجر شد.

وتاریخ باز هم گواهی دیگری نیز دارد. به گفتهٔ مشهور اگر استعمار از دروازه برون رفت از کلکینچه سر کشید. در ۱۹۱۹ انگلستان مجبور شد استقلال سیاسی افغانستان را به رسمیت بشناسد اما مداخله پایان نیافت. استعمارگران علیه امان الله شاه برخاستند و خاندان نادری را بمثابهٔ دست نشاندگان حقیر وارد کشور ما نمودند.

آنچنانکه گفته اند، تاریخ تکرار می شود، اما نه بهمان گونه گذشته.

استعمارگران درسهای تاریخ را از یاد میبرند. باز هم امپریالیزم در راس امپریالیزم جنایت کار امریکا باپیوند سرشتی بااستعمار هم اکنون در شصت و دو سال بعد از استرداد استقلال سیاسی افغانستان مداخلهٔ بیشرمانه رادر امور داخلی ما و بر علیه استقلال ما و آزادی کشور ما آغاز نموده اند.

چه چیزی باید گفت. ما می گوییم استعمارگران باید درسهای تاریخ را بیاد بیاورند. امپریالیست ها نباید فراموش نمایند که مردم آزاده و دلیر افغانستان هیچگاهی تجاوز استعماری وامپریالیستی را بی پاسخ نگذاشته اند و این بار نیز آنچنانکه تجربه زندگی گواه است دشمنان آزادی مردم، امپریالیست ها، هژمونیست ها و همه نیروهای واپسگرا جواب قطعی مداخلات شرم آگین رادرامور داخلی ما خواهند یافت.

(یما)

امپریالیزم مداخله را تکرار می کند



درتاریخ کشور ما نام امان الله باکلمه «غازی» پیوند سرشتی خورده است. امان الله غازی این سردار دلیر نبرد آزادی بخش مردم ما در بارگاه تاریخ ما جای شایسته‌ای دارد.

امان الله علیرغم اینکه زادهٔ خانوادهٔ سلطنتی بود بدردها و غمهای مردم ما نزدیک شد. اوتوانست از توده های عظیم رنجدیدهٔ مردم ما نمایندگی کند.

امان الله این فرزند خلف جنبش مشروطیت و نهضت قهرمانانه آزادی‌خواهی، تابه آخر به آرمانهای اصلاح‌طلبانه خویش در جهت شگوفانی وطن وفادار باقی ماند.

تاریخ، پادشاهی چنین وطنپرست غمخور مردم و ترقیخواه را کمتربیاد دارد و در واقع تاریخ زندگی امان‌الله یکی از پدیده های نادر تاریخ است.

همه نواقص واشتباهات امان الله بهیچوجه مانع این نمی شود کەمردم‌ما اورا بمثابه قهرمان آزادی و دوست زحمتکشان بشناسند.

دورانی که امان الله غازی از سر می گذشتاند، از بعضی جهات باوضع کنونی کشور ما شباهت های گویائی دارد؛

دیروز همه نیروهای سیاه ارتجاعی تحت رهبری امپریالیزم کهنه کار انگلیس علیه اصلاحات دوره امانی می‌جنگیدند و امروز هم بازماندگان همان نیروهای سیاه ارتجاعی باضافه گروهک های فاسد جدید اینبار تحت رهبری امپریالیزم شریر ایالات‌متحده‌امریکا علیه دست آورد های انقلابی کشور ما در کادر جنگ اعلام نا شده امپریالیستی با همان شیوه های کهنه دیروزی بخصوص استفاده نا مشروع از دین مقدس اسلام، می جنگند.

دیروز نیرو های اصیل انقلابی جهان از امان الله غازی پشتیبانی می‌نمودند وامروز هم همهٔ نیرو های‌اصیل‌انقلابی‌جهان قاطعانه در کنار مردم ما قرار دارند ...

امپریالیزم بار دگر علیه آزادی و استقلال کشور ما، افغانستان قهرمان وانقلابی دست یازیده است. همانگونه که نیم سده پیش از این در مقابله با نهضت امانی و تحولات اجتماعی آن دوران انجام داد.

مداخله استعماری در امور داخلی افغانستان نیم سده پیش از این به سقوط نهضت امانی و استقرار نیروهای سیاه و محافظه کار انجامید وجریان گسترش پروسه های نوین اجتماعی رادرکشور سد نمود. زیرا استقلال افغانستان ضربهٔ مرگباری را بر مواضع استعمار در خاور وارد نموده بود.

گواهینامهٔ تاریخ را بیاد می آوریم: امپریالیزم برتانوی درست پس از حصول استقلال سیاسی افغانستان از اواسط ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ محاصرهٔ اقتصادی افغانستان را با بستن گذرگاه های کوهستانی که به سوی هندوستان راه باز می نمود، آغاز نمود.

استعمارگران برتانوی بدنبال این امر تلاش نمودند تا طرح کمک های نو استعماری را در ۱۹۲۰ بر کشور ما تحمیل نمایند که این تلاش نیز بی فرجام ماند. بعد از آن جریان مداخلات استعماری در کشور تشدید یافت.

مداخله بشکل سازماندهی توطئه های کودتایی، انگیزش آشوب های ضد دولتی، فرستادن اجیران وابسته غرض رهبری قیام های ضد دولتی، استفاده از نارضایتی های دهقانان ناشی از سیاست مالیاتی دولت وموارد همانند دیگر.

امپریالیزم در جهت مقابله با دولت نو بنیاد افغانستان که راه رشد مستقل ملی رادر پیش گرفته بود، مرکز رهبری کنندهٔ جاسوسی را تحت نظر دگروال لارنس مخبر معروف انگلیسی در هندوستان بوجود آورد.

لارنس یکی از اجرا کنندگان پلان استراتیژی رهبران سیاست خارجی برتانوی بود. که به عقیدهٔ مورخین هدف این سیاست نه تنها توجیه حوادث افغانستان در مسیر دلخواه امپریالیزم بوده بلکه استفاده از وضعیت موجود جهت متشنج ساختن وضع در حوالی مرزهای جنوبی اتحاد شوروی نیز مشمول این سیاست بود.

تلاش های بریتانیا درین زمینه تنها در چارچوب فعالیت دگروال لارنس نمی گنجید بلکه فراتر از آن مطرح بود. چنانچه در اثنای نخستین حرکت برای اشغال کابل از طرف آشوبگران ضد دولتی در میان آنها نمایندگان برتانوی وجود داشت وبچهٔ سقاء با «هیم ـ فریس» نماینده برتانوی تماس های شخصی داشت. این تماس ها ادامهٔ آن روابطی بود که بچهٔ سقاء در دوران اقامت در هندوستان (۱۹۲۶) با استخبارات برتانوی بر قرار نموده بود.

امپریالیزم بریتانیا در جریان همین مداخلهٔ عریان وشرم آگین در امور داخلی ما با نقض قوانین بین المللی به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۸ با طیارهٔ انگلیسی شبنامه‌های تهدید کننده نسبت به افغانستان را بر فراز شهر کابل پخش نمود.

امپریالیزم بریتانیا جهت نیل به اهداف شوم تجاوزکارانه خود مقدم بر همه در مجموعه تلاش های ضدافغانی سعی نمود تابا استفاده از روحانیون مرتجع ومحافظه کار، شاه امان الله را لامذهب و نهضت‌امانی رامخالف اسلام جلوه دهد. برای نیل به این هدف بود که برتانوی هاجاسوس های انگلیسی را در لباس روحانی به کشور ما فرستادند تا از عقاید پاک مذهبی مردم ما علیه دولت امانی استفاده نمایند.

مجموعه این تلاش های تجاوزکارانه، با استفاده از عقب ماندگی جامعه به سقوط دولت امانی و پایان تحولات اجتماعی آن دوران انجامید.

عوامل فراوانی است که نیم سده پیش از این امکانات پیروزی توطئه امپریالیستی علیه افغانستان آزاد و مستقل رافراهم نمود.

در زمرهٔ این عوامل میتوان از عقب ماندگی و حشتناک اجتماعی، سطح نازل آگاهی توده ها، نفوذ و رسوخ قوی روحانیون مرتجع، درباریان وابسته، و خان های بزرگ در جامعه، عدم موجودیت پایگاه اجتماعی قوتمند دولت امانی، اشتباهات وعدم وحدت نیرو های رهبری کننده جامعه در تطبیق اصلاحات اجتماعی، عدم موجودیت طبقهٔ کارگرو روشنفکران ملی به مثابهٔ نیروی اجتماعی توانا وبه خصوص که هنوز دولت جوان شوراها خود درمعرض مداخلات امپریالیستی قرار داشت و توانایی کافی مانند امروز برای دفاع از جنبش های آزادی بخش ملی نداشت، یادآوری کرد.

اما اینک نیم سده بعد، هنگامیکه کشور ما در سطح رشد پیشرفته تر اقتصادی اجتماعی به مقیاس آن دوران قرار دارد، هنگامیکه جنبش انقلابی در کشور از پایه های اجتماعی توانایی بر خوردار است، هنگامیکه نیرو های زحمتکش جامعه در سطح بلندتر آگاهی اجتماعی‌قرار دارند و تحت رهبری پیشآهنگ سیاسی متشکل و یک پارچه عمل می نمایند، هنگامیکه اردوگاه صلح و سوسیالیزم در راس اتحاد شوروی تکیه گاه توانای جنبش انقلابی خلق ها در مبارزه به خاطر تامین دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی است و در مجموع هنگامیکه امروز جامعهٔ ما دستخوش تغییرات بزرگی گردیده است، امپریالیست ها میخواهند درامهٔ کهن مداخله را تکرار نمایند و در رویای آنند تا آزادی و استقلال کشورما را مانند گذشته خفه نمایند.

اما دشمن به کوره راه رفته است. امروز دیروز نیست و این را باید امپریالیست ها بیاد داشته باشند.

انقلاب ثور به ارادهٔ اکثریت مردم زحمتکش ما بەپیروزی رسیده است، راه تکامل پیروزمندانهٔ خودرا بەبرکت رهبری سالم حزب دموکراتیک خلق افغانستان، و بەاتکاء پشتیبانی مردم از انقلاب طی می نماید.

روند انقلابی درافغانستان برگشت ناپذیر است زیرا مردم با ماست و جهان مترقی بانیروی عظیمی در کنار انقلاب ما قرار دارد. و این نکته ایست که آغازگران مداخلهٔ تجاوزکارانه امپریالیستی در افغانستان باید آن را بدانند.

بیداری آسیا و قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹ - افغانستان

قیام مسلحانه‌ملی ۱۹۱۹ افغانستان پی آمد قانونمند و ادامه سچه ترین سنن پر بار مبارزه تاریخی انقلابی زحمتکشان کشور ما علیه

سیطره خونریز وسیاه استعمار کلاسیک انگلستان کشور «متمدن» ایکه آفتاب در امپراتوری ننگین آن‌غروب نمی کرد و عرابه چرکین و خونین سلاطین سفاک و وابسته به امپراتوری استعماری انگلیس است.

درین پروسه عظیم برخاست های انقلابی ضد استعماری کشور ما جنبش مشروطیت نقش عظیمی ایفا کرد که یاد قهرمانان شهید این کارنامه سترگ انقلابی کشور جاودانه زنده باد. جنبش مشروطیت در کشور ما «موج کوچک ولی تند یست از جریان عظیم «بیداری آسیا» نقطه ایست از جنبش های‌ملی‌و آزادیبخش آسیا و اخگر یست از مبارزهٔ مردم ما بخاطر استقلال و آزادی وطن که از جانب دولت های وابسته به استعمارو امپریالیزم وحشیانه سرکوب گردید.»

انقلاب دموکراتیک ۱۹۰۵ روسیه و بویژه پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در سرنوشت‌جنبش رهایی بخش ملی ضد استعماری کشور ما و تمام قاره آسیا اثر ژرف گذاشت و نیروی محرکه پرتوانی در جهت تسریع این پروسه بخشید. سرانجام روند مشحون از دشواری هاوفراز و نشیب مبارزه زحمتکشان کشور ما به قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹ منتج‌گردید کەبساط بزرگترین، سبیع ترین و خونریز ترین امپراتوری استعماری جهان را بر چیده و طومار ننگین آنرا در هم نوردید.

همزمان با بیداری افغانستان در دههٔ اول قرن بیستم انقلاب مشروطیت در ایران دودمان استبداد طرازآسیایی شاهان قاجاررا به تب لرزه مرگ در انداخت با اینکه انقلاب مشروطیت ایران در اثر مداخلات امپریالیست ها سرکوب گردید اما این جنبش در سیمای سیاسی ایران تغییر کیفی وارد نمود و نشان داد که «چنین جنبش انقلابی... ممکن نیست نابود شود وکامل ترین پیروزی ارتجاع ایران در این شرایط فقط به مقدمه قیام های نوین توده های مردم بدل میگردد.»

در هندوستان «بردگان بومی سرمایه داران متمدن انگلیسی اتفاقا در اوقات اخیر موجب تشویش نامطبوعی برای «آقاهای» خود شدند». جنبش ضد استعمار انگلستان که «تعدی و تاراج ... اسلوب انگلیسی اداره انگلستان نامیده می شد» تمام هندوستان را فرا گرفت ودو گرایش عمده را در مبارزه عمومی ضد امپریالیستی زحمتکشان هند نضج داد. گرایش بورژوازی دموکراتیک و گرایش انقلابی دموکراتیک که اولی به خواست استقلال سیاسی بسنده میکرد و دومی میخواست استقلال سیاسی‌رابا اصلاحات رادیکال اجتماعی دنبال می نمود. «در هندوستان هم دیگر پرولتاریا تاحد مبارزه سیاسی آگاهانه توده‌ها رشد کرده است» که این امر ابعاد مبارزه ضد امپریالیزم انگلستان را دامنه‌وژرفش نیرومند بخشید.

جنبش‌مشروطیت درترکیه (۱۹۰۸ - ۱۹۰۹) تحت‌رهبری حزب ترکیه جوان در اردو پیروز شد. این جنبش به‌خلع سلطان عبدالحمید و اعلام مشروطه در ترکیه انجامید.

ملل کشور های مستقل عربی در اوایل قرن بیستم در نقشه جهان دیده نمی شد سرزمین های عرب میان امپراتوری عثمانی وامپراتوری های مستعمراتی انگلستان و فرانسه تقسیم بود. ایتالیا در سال ۱۹۱۱ به مستعمرات ترکیه عثمانی حمله برد این جنگ به نفع «ایتالیای فاتح» پایان یافت که این جنگ «کشتارگاه مکمل و متمدن انسانی، کشت و کشتار اعراب با کمک «جدید ترین» توپ‌ها» بود، پس از جنگ ایتالیا و ترکیه عثمانی نطفه های جنبش ضد استعماری در سراسر مناطق عربی اوج گرفت.

جنبش انقلابی ضد نظام قرون وسطایی در چین در سال ۱۹۰۸ گسترش دامنه داری یافت. در سال ۱۹۱۱ انقلاب بورژوا‌دموکراتیک در چین تحت رهبری داکتر سن یات سن به پیروزی رسید و چهار صد میلیون آسیایی عقب مانده از خواب دیرین وبرای سهم گیری در زندگی سیاسی برخاستند.

مبارزه زحمتکشان کوریا علیه اشغالگران جاپانی در سال ۱۹۰۵ که در نتیجه این جنگ کوریا به پروتکتورات «تحت الحمایه» جاپان تبدیل گردید، اوج گرفت، نخستین جرقه های این مبارزه در تاسیس سازمان روشنگرانه تبارز یافت. این سازمان در تحت تاثیر مستقیم تیوری و پراتیک انقلاب دموکراتیک روسیه برخی گرایشات مهم و خصوصیات دموکراتیک کسب نمود. در برنامه این سازمان استقلال ملی رشد صنایع ملی، فرهنگ و تکامل زبان کوریایی و پاک کردن آن‌از مشخصات چینی و معمول گردانیدن دستخط کوریایی برجسته بود.

نهضت آزادی ملی ویتنام در برابر استعمارگران فرانسه در دهه اول قرن بیستم سراسر ویتنام را فرا گرفت. شعاراساسی این جنبش «سرنگون باد تسلط استعماری فرانسه» بود که این امر بیانگر بحران ژرف رژیم مستعمراتی در ویتنام بود.

ویتنام مستعمره مظهر زنده ویژگی خاص توسعه انحصارات امپریالیستی فرانسه بود، که برخلاف دعاوی ایدیالوگ های فرمایشی بورژوازی سیاست بردگی مستعمراتی را در ویتنام دنبال میکرد.

اداره مستعمراتی بخش مهمی از سیستم ستم مستعمراتی است و هندوچین نخستین نمونه ایست‌که درین منطقه پروتکتورات ها به مثابه شکلی از اشکال سلطه مستعمراتی تاسیس گردید.

جنبش انقلابی ضد استعماری سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ توسط دموکراتهای انقلابی ویتنام فان چو ترن و فان بوی رهبری میگردید و نمونه دیگر اوج جنبش ضد استعماری فرانسه مبارزه مسلحانه دهقانان ویتنام تحت رهبری وی تام است که در سال ۱۹۱۵ آغاز گردید.

جنبش ملی ضد استعماری به «هند شرقی‌هلند» (اندونیزیا) سرایت نمود. درسال ۱۹۰۸ سازمان ملی بیودی او یتیمو (اهداف عالی) تاسیس گردید. در سال ۱۹۱۲ روشنفکران دموکرات هند و ـ اروپایی در جاوا نخستین حزب سیاسی را بنام حزب هندی (نام حزب‌بازتاب نام رسمی اندونیزیا، هند شرقی هلند است) تاسیس نمودند که‌بعداً تغییر نام‌داد.

این حزب شعار استقلال سیاسی اندونیزیا را طرح و باوجود کمبودی های زیاد نقش مهمی در رشد ملی این کشور ایفا نمود. نقش حزب سوسیال دموکرات که موضع انترناسیونالیستی داشت و استقلال فوری اندونیزیا را تقاضا نمود، بزرگ است.

در بیداری سیاسی و ملی اندونیزیا طبقه کارگر نقش تعیینگر ایفا نمود. زیر این طبقه در همان آغاز به مثابه بخش تفکیک ناپذیر جنبش ملی ضد استعماری رشد و برخاست کرد.

در آغاز قرن بیستم مرکز جنبش انقلابی بین المللی به روسیه انتقال نمود که رهبری آنرا طبقه کارگر مجرب وآبدیده روس تحت رهبری حزب بلشویک (کمونیست) و در راس آن لنین به عهده گرفت که نقش عظیمی در بیداری آسیا ایفا نمود. چنانکه رهبر نابغه پرولتاریای جهان در باره «بیداری آسیا» نگاشته‌است: «سرمایه‌داری جهانی و جنبش سال ۱۹۰۵ روسیه، آسیا را بیدار کرد. صدها میلیون جمعیت جهل زده که در رکود قرون وسطایی به توحش دچار شده بودند برای زندگانی نوین وبرای مبارزه در راه حقوق بدوی انسانی، برای دموکراسی بیدار شدند.

کارگران کشور های مترقی جهان با علاقه و شور و شوق مراقب این رشد پرتوان جنبش آزادی بخش جهانی در تمام بخش های کره‌زمین و در تمام اشکال آن هستند. بورژوازی اروپا که از نیروی جنبش کارگری ترسیده است خود را به آغوش ارتجاع، نظامیان، کشیشان و جهل پروران انداخت. اما پرولتاریای‌ممالک اروپایی و دموکراسی جوان کشور های آسیایی که سرشار از قوای خود و اعتماد به توده های مردم است، جای این بورژوازی را که زنده زنده می گندد، می گیرد.

بیداری آسیا و آغاز مبارزه برای حکومت پرولتاریای مترقی اروپا نشانهٔ فصل نوین تاریخ جهانست که در ابتدای قرن بیستم گشوده شد.»

انقلاب سترگ سوسیالیستی اکتوبر و تحولات پیروزمند ناشی از آن شرایط نوینی را بوجود آورد که در نتیجه آن جنبش های آزادیبخش ملی کشورهای مستعمره ونیمه مستعمره به مرحلهٔ نوینی، مرحله پیروزی قطعی بر استعمارو امپریالیزم گام نهادند.

در تحت تاثیر اکتوبر، ملت زحمتکش افغانستان نخستین ملتی در آسیا بود که مسلحانه علیه خونخوار ترین قدرت‌امپریالیستی (امپریالیزم انگلستان) قیام نمود و حلقه دیگری از زنجیر اسارت استعماری امپریالیزم را شکستاندند. قیام مسلحانه ملی ۱۹۱۹ افغانستان نقش وزینی در «بیداری آسیا» ایفا نمود.

«هستی»

مقدس بزرگ



از هیاهوی ساکت تاریخ ،
بیرون میاییم .
ومهر های خونین
نیزکها
بابکها
واستاد سیس ها ،
تاج گذرنامه هامان .
سرشار
ازشکوه هزاران سال حضور
در تاریخ .

* * *

سفر
در مدار زیستن وبودن .

* * *

در زمزمهٔ آب
ودر همهمه‌ی باد
آزاد وبا حریت
از شگفت وسیع دشت .
میگذریم .
ازعجب سنگی صخره ،
از ایستایی انبوه جنگل ،
از تفاهم سیل و صاعقه
از ایمان نرم ماسه ها
از باور باریك كوی
تا باور بلند كوه
وازیکی بود، یکی نبود قصه ها ،
میگذریم
ودر همه چیز
حلول میکنیم .
میرویم ،
ودر صعوبت راه
از پای وپویه باز نمی مانیم .
چون جاده
که امتدادش دردل كوه ،
امتداد مانرا
برسطر سطرورق پاره های زندگی
میکشانیم .
میرویم
ومسیر مانرا
هیچ ابدیتی نقطهٔ پایان نمی‌گذارد .
میرویم
اگر چه میدانیم دیریست مسلسلها
جای جیرجیرك ها
شبهای مسافرخانه های متروك را
فریاد میزنند .
وغوکان مفلوك
در برکه های شور خون
مزهٔ آب را
ازیاد برده اند .

* * *

میرویم ،
ـ بی هیچ تردیدی .
ودر عقب مان ،
برپایی جاودانه ی باروهای بلند باور
وایمان .

* * *

آه
ای آزادی !
ـ آزادی !
ای حریت !
ای ایمان راه !
ای مقدس بزرگ !
ای همیشه سبز سبز ،
در ذرات هستیم .
بنام تست .
بنام مام میهن است
وبنام انسان این سرزمین
که سرشار از حضورکهن درتاریخ ،
تکرار میشویم ،
ونسل اندرنسل به‌میراث‌میرسیم .

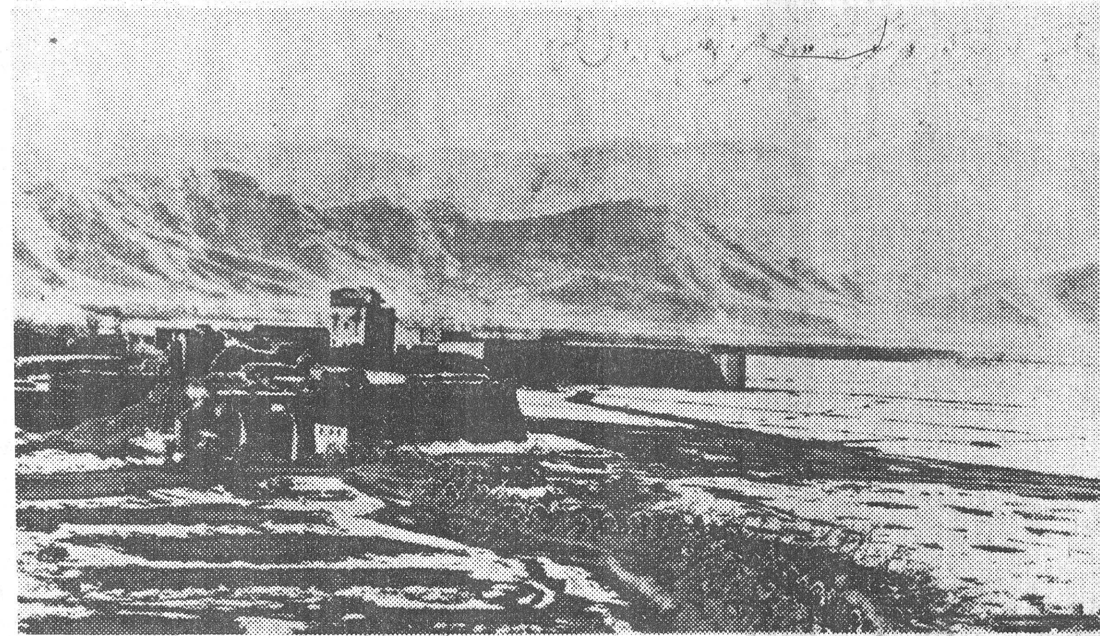
◁ رها ▷

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسؤول : محمود بریالی
تیلفون : ۲۳۳۸۴

آدرس : رو بروی وزارت امور خارجه
صندوق پستی : ۷۸۰
حساب بانکی : ۱۰۱۸ بر ۹
تیلفونها :
معاون : ۲۳۱۰۹
سکرتریت ۲۳۳۸٤ـ۲۲٦٥۹
اداری : ۲٤٥۷٥
شکایات توزیع ۲٦٨٥۹
ـ صبح روزهای یکشنبه سه‌شنبه‌و پنجشنبه نشر می شود.
قیمت دو افغانی
چاپ‌ویب آفسیت مطبعهٔ دولتی







صحنه هایی از روزگاران دشوار که آزادی بدست آمد
امروز فرزندان خلف انقلاب وطن ادامه دهنده گان راه همین مردان آزاده دوران آزادی هستند .

۲۸ـ اسد تاریخ استرداد استقلال وطن

۲۸ اسد ، روز استرداد استقلال افغانستان ، مانند بسیاری از واقعیت های مسلم و پر افتخار تاریخ جامعه ما ، در دوران سلطهٔ سلسلهٔ مزدور نادری به سود منافع ارتجاع داخلی وارتجاع بین المللی ، قصدا به‌فراموشی سپرده شده ، جعل گردید .

با انقلاب رهایی بخش‌ملی و دموکراتیک ما که دربیان ارمان ها و منافع مردم آزاد و مستقل افغانستان به پیروزی رسید ، شرایط برای روشن ساختن حقایق تاریخی کشور ما ، نقش جنبش های ملی و مترقی در امر پیروزی های تاریخی مردم ما و سهم شخصیت های وطنپرست در مبارزه بخاطر منافع مردم ما ، مساعد گردید .

از جمله انقلاب ، جعلیات دودمان نادری را در رابطه باتاریخ استرداد استقلال وطن قاطعانه افشا نمود و برای نخستین بار پس از دوران امانی روز استقلال وطن بتاریخ واقعی آن برگزار گردید .

استقلال وطن ، پیامد مستقیم مبارزات طولانی ضد استعماری مردم کشور بود که در قیام ۱۹۱۹ بر ضد انگریز ، دشمن ملی و تاریخی مردم افغانستان ، متبلور گردید .

امیر غازی امان الله که با جنبش ضد استعماری «جوانان افغان» و امر تامین استقلال و پیشرفت وطن همفکر بود در اولین نطق خود به تاریخ بیست‌و چهار فبروری ۱۹۱۹ از جمله «استقلال خارجی افغانستان» را مطرح ساخت و در ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ مطابق ۹ حوت ۱۲۹۷ بطریق اعلامیه رسمی تصریح کرد که «بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های‌مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد .»

چند روز بعد بتاریخ سه مارچ ۱۹۱۹ غازی امان الله تصمیم خود را دایر به تامین استقلال افغانستان رسما به لارد چلسفورد نایب‌السطنه هند بریتانوی اطلاع داده و با لغو معاهدات قبلی‌انعقاد معاهده جدید برمبنای تساوی کامل‌حقوق رابادولت بریتانیا پیشنهاد کرد . معطلی قصدی انگریز در ندادن جواب مشخص ، افغانستان را از اقدامات مستقل در عرصه بین المللی ممانعت نه‌توانست هویت دولت جوان‌افغانستان بطریق اعلامیهٔ دولت شوراها در مورد برسمیت شناختن استقلال افغانستان مورخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹ بطور قاطع تایید گردید .

بریتانیا که موجودیت افغانستان آزاد و مستقل ، حاکمیت استعماری آنرا در منطقه به مقیاس بسیار وسیعی متزلزل می ساخت . و بخصوص از تحکیم‌مناسبات دوستی و برادری بین دولت امان افغان و دولت شوراها بطور واقعی هراس داشت بتاریخ سه می ۱۹۱۹ باقوت بزرگی یك جنگ کاملا نابرابر تجاوز کارانه را بر افغانستان تحمیل نمود .

مردم افغانستان در پاسخ این تجاوز به سرعت و با شجاعت به قیام برخاستند دولت شوروی درین مبارزه دوست صادق مردم افغانستان بود .

قیام مسلحانه ۱۹۱۹مردم افغانستان که باقیام تاریخی قبایل پشتون و تشدید وسیع مبارزات آزادی‌بخش در داخل هند برتانوی همراه گردید ، رفته رفته دامنه وسیع تری یافت .

دولت بریتانیا زیر فشار مقاومت قهرمانانه مردم افغانستان ، قیام وسیع توده یی قبایل پشتون که پیوسته گسترش می یافت ، شکست عساکر بریتانیا در ساحهٔ ترکستان‌شوروی و توسعه پر قوت مبارزات آزادی خواهی در هند و در تمام منطقه مجبور به عقب نشینی گردید و در نتیجه باوجودیکه دولت افغانستان در جریان جنگ آزادی‌بخش بامشکلات ناشی‌از عقب‌ماندگی اقتصادی محدودیت منابع و فعالیت تخریب کارانه عوامل‌انگریز در داخل مواجه بود ، پرقدرت ترین دولت امپریالیستی زمان یعنی برتانیه مجبور شد در مقابله با افغانستان بتاریخ سه جون ۱۹۱۹ رسماً جنگ راخاتمه بدهد و برای امضای قرار داد صلح آماده گردد .

قرار داد صلح که بتاریخ هشت اگست ۱۹۱۹ مطابق ۲۸ اسد ۱۲۹۸ در راولپندی به امضا رسید باوجودیکه بریتانیا کوشید موادی را به نفع خود در آن تحمیل نماید ، سند اعتراف ناگزیر ورسمی انگلیس به استقلال افغانستان و وثیقه پیروزی پر شکوه تاریخی مردم افغانستان بود . این قرارداد یك مرحله مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد .

شام بیست اگست ۱۹۱۹ امیر غازی امان در صحن مسجد عیدگاه ، در حضور نزدیك به ۵۰۰۰۰ نفر ضمن خطابه یی به همه اطلاع داد که «شما و کشور تان بعد ازین از نظر سیاسی کاملا آزاد بوده ، حق دارید با هر ملتی که بخواهید مذاکره کنید .» بدین میمنت طاق ظفر پغمان اعمار شد و تاریخ بیست‌و هشت اسد به منزله روز استرداد استقلال وطن باوضاحت در آن حك گردید .

و چنین بود که آزادی افغانستان به‌بهای قربانی ها و قهرمانی های بیدریغ مردم افغانستان بحصول آمد .

از آن پس هر سال به تاریخ بیست‌و هشت اسد جشن استقلال دایر میگردید جشن در کابل هفت روز و در ولایات یك روز دوام می یافت . پروگرام جشن‌وسیع و مردمی بود ، غازی امان‌الله جشن رابا صحبت خود افتتاح مینمود و شخصاً در آن شرکت می جست . در طول هفت روز جشن یك نشریه بنام «هفته جشن» نشر می شد .

سالگرد اول و دوم جشن در کابل در چمن حضوری دایر گردید . سالگرد دوم جشن (مصادف باسال ۱۹۲۱) سال امضای معاهده دوستی افغان ـ شوروی بود که به دستور غازی امان الله به تاریخ هفت نوامبر مطابق باتاریخ پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر برگزار گردید که نشان دهنده صمیمیت پیوند های برادری بین افغانستان و اتحاد شوروی بود ، غازی امان الله بعدها هنگام سفر به شوروی گفت :

«من اتحادشوروی رادوست دارم ، من از اول اورادوست خود یافته ام و من این پیوند را استوار خواهم داشت درین باید متیقن باشید و خود را مشوش نسازید . این دوستی برای جانبین مفاد در بر دارد .»

درین سال دابس نمایندهٔ انگلیس در کابل نیز در جشن اشتراك داشت و غازی امان الله متن سرودی را که پشتون ها هنگام اتن ملی زمزمه میکردند وسرشار از نفرت علیه تجاوز کاران انگریزی بود . شخصا به دابس ترجمه مینمود و بدین وسیله به دابس که خود نیز پشتو می دانست ، رسما احساسات برگشت ناپذیر ملی مردم ما را در ضدیت با دشمن تاریخی شان انگریز بیان می کرد .

پس از آن سالگرد جشن استقلال به همان تاریخ بیست‌و هشت اسد با مراسم پر شکوه در پغمان دایر می شد . غازی‌امان‌الله در حالیکه فامیل ها و فرزندان شهدا در لباس سرخ به دو طرف او حاضر می بودند . جشن را افتتاح مینمود و اولتر از همه به مادران سالگرد استقلال را تبریك می گفت .

پس از دوران امانی که بریتانیا بطریق سلسله‌نادری در امور کشور ما دوباره دست درازیافت . وقیحانه تلاش صورت گرفت تا روز استرداد استقلال وطن جعل گردد .

انقلاب ثور که بحیث نتیجه منطقی مبارزات طولانی‌مردم ما بر ضد ستم و بخاطرتامین عدالت اجتماعی به پیروزی رسید ، واقعیت و حیثیت تاریخی این یاد بود سترگ تاریخ پر افتخار مبارزات دلیرانه مردم ما را اعاده نمود .

انقلاب شکوهمند مردمی ما در سیر تکامل ملی خود وارث و ادامه دهنده پسندیده ترین سنن و افتخارات ملی و تاریخی ماست .

نوید .